

شرح گزارشی انتقادی برزنامه و جمشیدنامه از ملحقات داستانهای شاهنامه به زبان شیوای امروزی



آوردگاه داستان

شرح و گردآوری: رضا آریانی

کارشناس ارشد نامینای زبان و ادبیات فارسی

آوردگاه دستان

شرحی گزارشی از برزنامه و جمشیدنامه از ملحقات شاهنامه

فردوسی به زبان شیوای امروزی

شرح و گردآوری: رضا آریانی

کارشناس ارشد نابینای زبان و ادبیات فارسی

فرهنگ مانا

۱۳۹۵

سرشناسه: آریانی، رضا، ۱۳۵۲.
عنوان قرار دادی: شاهنامه، برگزیده، شرح/برزنامه، شرح/جمشیدنامه، شرح
عنوان و نام پدیدآور: آوردگاه داستان: شرح گزارشی از برزنامه و جمشیدنامه از ملحقات شاهنامه فردوسی به زبان امروزی/ شرح و گردآوری رضا آریانی
مشخصات نشر: سی سخت: فرهنگ مانا، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۳۸۲ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۷۱-۴۶-۰ ریال: ۲۷۵۰۰۰
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. [۳۷۹] - ۳۸۰.
موضوع: فردوسی، ابوالقاسم، ۴۱۶-۳۴۹ ق. شاهنامه- نقد و تفسیر
موضوع: زرگر، خلیل، قرن ۱۰ ق. جمشیدنامه- نقد و تفسیر
موضوع: عطا ابن یعقوب، قرن ۵ ق. برزنامه- نقد و تفسیر
موضوع: شعر فارسی-- قرن ۱۰ ق-- تاریخ و نقد
موضوع: شعر فارسی-- قرن ۴ ق-- تاریخ و نقد
موضوع: منظومه‌های حماسی فارسی
موضوع: فردوسی، ابوالقاسم، ۴۱۶-۳۲۹ ق. شاهنامه، برگزیده، شرح
شناسه افزوده: زرگر، خلیل، قرن ۱۰ ق. جمشیدنامه، شرح
شناسه افزوده: عطا ابن یعقوب، قرن ۵ ق. برزنامه، شرح
رده‌بندی کنگره: PIR ۴۴۹۵ / ۱۳۷۱۹ ۱۳۹۵
رده‌بندی دیوبی: ۸ فا ۱ / ۲۱
شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۱۰۱۹۲



آوردگاه داستان

گردآوری: رضا آریانی

صفحه آرا: مینا صفری

طراح جلد: محمدرضا چشمه

شمارگان: ۱۲۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

لیتوگرافی: شارپ

چاپ: زیتون سبز

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۷۱-۴۶-۰

ناشر: فرهنگ مانا

قیمت: ۲۷۵۰۰۰ ریال

فهرست

۱۱	چکیده.....
۱۳	مقدمه.....
۱۵	داستان برزو.....
۱۹	نظر استاد صفادرباره‌ی برزوانامه.....
۲۰	نظر ژول مول درباره‌ی برزوانامه.....
۲۱	تشابه و تفاوت داستان رستم و سهراب و رستم و برزو.....
۲۴	جمشیدباستانی.....
۲۶	فرامین ده گانه (۱۰) جمشید.....
۲۹	فرجام کار جمشید.....
۳۱	کلیات.....
۳۱	اهداف تحقیق.....
۳۱	ضرورت تحقیق.....
۳۲	پیشینه‌ی تحقیق.....
۳۲	روش تحقیق.....
۳۳	برزوانامه.....
۳۴	درمدح پیامبر خاتم حضرت محمد(ص).....
۳۴	داستان برزو.....
۴۱	زادن برزوی سهراب، پسر زاده‌ی رستم.....
۴۳	رسیدن افراسیاب به شنگان.....
۶۳	پند دادن مادر، برزو را درباره بازداشتنش از جنگ رستم و سر باز زدن برزو از آن.....
۶۷	پهلوانی آموختن برزو از سرداران توران.....
۸۳	لشکر کشیدن برزو بسوی ایران و آمدن طوس و فریریز بجنگ او.....
۸۸	جنگ طوس و فریریز با برزو و گرفتار شدن ایشان.....
۱۰۵	جنگ رستم با برزو و آزرده شدن دست رستم.....
۱۱۲	جنگ فرامرز با برزو و گرفتار شدن برزو.....
۱۳۸	آگاهی یافتن مادر برزو از گرفتار شدنش و رفتن او به ایران به جستجویش.....

- ۱۳۹ رفتن مادر برزو به سیستان و چاره کردن او در رهایی برزو از بند ارگ.....
- ۱۴۵ گریختن برزو با مادرش از بند ارگ و دچار شدن ایشان در راه با رستم.....
- ۱۴۸ جنگ رستم با برزو.....
- ۱۵۴ زهر انداختن گرگین در خورش برزو.....
- ۱۵۶ جنگ رستم با برزو و گرفتار شدن برزو و آشکار کردن مادرش که او سهراب است.....
- ۱۶۳ آمدن رویین و خبر دادن افراسیاب را از سرگذشت برزو.....
- ۱۶۵ فرستادن افراسیاب سوسن رامشگر را برای گرفتن رستم و گردان ایران بافسون.....
- (آشتن طوس بر گودرز در مهمانی رستم و رو به ایران نهادن و رفتن گردان ایران ببازآوردنش)
- ۱۶۸
- ۱۷۳ گرفتار شدن طوس بافسون سوسن رامشگر.....
- ۱۷۵ گرفتار شدن گودرز بافسون سوسن رامشگر.....
- ۱۷۷ گرفتار شدن گیو بافسون سوسن رامشگر.....
- ۱۷۹ گرفتار شدن گستهیم بافسون سوسن رامشگر.....
- ۱۸۰ رسیدن بیژن به خیمه سوسن و گرفتار شدن بدست پیلسم.....
- ۱۸۴ رسیدن فرامرز بخیمه سوسن و آهنگ کردن بجنگ پیلسم.....
- ۱۸۶ رسیدن زال بخیمه سوسن رامشگر.....
- ۱۸۹ رسیدن رستم و برزو بیاری زال و جنگ رستم با پیلسم.....
- ۱۹۱ رسیدن فرامرز با لشکر سیستانی نزد زال و رستم.....
- ۱۹۳ رسیدن افراسیاب با لشکر تورانیان به یاری پیلسم و رزم برزو با تورانیان.....
- ۱۹۸ جنگ برزو با شیده و جنگ رستم با پیلسم و کشته شدن پیلسم.....
- ۲۰۸ رسیدن کیخسرو و خواستن افراسیاب جنگ او را و بازداشتن برزو او را از جنگ.....
- ۲۱۴ جنگ برزو با افراسیاب و رهایی یافتن طوس و گودرز و دیگر پهلوانان.....
- ۲۱۸ گریختن افراسیاب و بازخوردن زنگه شاوران و فریبرز با او و خسته شدن ایشان از او.....
- ۲۲۰ گریختن شیده با لشکر توران و رفتن کیخسرو بزیلستان منشور غو و هری دادن به برزو.....
- ۲۲۳ جمشید نامه.....
- ۲۲۳ نامه ضحاک به جمشید.....
- ۲۲۴ پاسخ نامه‌ی ضحاک از جمشید.....
- ۲۲۶ جنگ کردن ضحاک با جمشید.....
- ۲۲۹ زخم خوردن جمشید از ضحاک.....
- ۲۳۲ گریختن جمشید از ضحاک.....
- ۲۳۴ رسیدن جمشید بزابل.....
- ۲۳۵ آمدن دختر گورنگ شاه نزد جمشید و بزم آراستن با او.....
- ۲۳۷ کمانداری کردن جمشید با دختر گورنگ شاه.....
- ۲۳۹ شناختن دختر گورنگ شاه جمشید را.....
- ۲۴۰ سخن گفتن دختر گورنگ شاه با جمشید.....

۲۴۲	بزنی گرفتن جمشید دختر گورنگ شاه را.....
۲۴۳	آگاهی یافتن گورنگ شاه از راز دختر.....
۲۴۵	آمدن شاه زابل بدیدن جمشید.....
۲۴۸	پیدا شدن شیدسب از توروتورگ از شیدسب.....
۲۵۰	رزم تورگ با سرند.....
۲۵۰	گرفتار شدن سرند بدست تورگ.....
۲۵۲	پیدا شدن شم از تورگ و اترت از شم و گرشاسب از اترت و نریمان از نریمان.....
۲۵۵	تجزیه و تحلیل دستوری در برزنامه و جمشیدنامه.....
۲۷۵	صنایع ادبی موجود در برزنامه و جمشید نامه.....
۲۷۵	تشبیه.....
۲۷۶	اغراق.....
۲۷۷	تضاد.....
۲۷۷	جناس.....
۲۷۸	کنایه.....
۲۷۸	خداشناسی.....
۲۷۸	حسن تعلیل.....
۲۷۹	لف و نشر مرتب.....
۲۷۹	تنسیق الصفات.....
۲۸۰	صنعت تناسب.....
۲۸۰	موقوف المعانی.....
۲۸۱	ادبیات تعلیمی.....
۲۸۳	زندگی‌نامه‌ی شخصیت‌ها در منظومه‌های.....
۲۸۳	برزنامه و جمشیدنامه.....
۲۸۳	افراسیاب.....
۲۹۰	القاب و اوصاف نیک و بد افراسیاب.....
۲۹۱	بیژن.....
۲۹۶	بارمان.....
۲۹۶	زال.....
۳۰۴	اوصاف و القاب زال در شاهنامه.....
۳۰۴	جمشید.....
۳۰۶	دمور.....
۳۰۶	پیران.....
۳۱۱	زنگه.....
۳۱۲	پیلسم.....
۳۱۴	شیده.....

۳۱۵	فرامرز.....
۳۱۶	فرشیدورد.....
۳۱۷	گرسیوز.....
۳۲۱	گروی.....
۳۲۲	گستهم.....
۳۲۵	طوس.....
۳۳۰	گیو.....
۳۴۰	گودرز.....
۳۴۸	نریمان.....
۳۴۹	گرگین.....
۳۵۳	لغت نامه.....
۳۷۷	نتیجه گیری، پیشنهادها.....
۳۷۹	فهرست منابع و مآخذ.....

تقدیم به:

رب النوع زمینی و پروردگار دنیایم مادر دلسوز و از جان گذشته‌ام و
پدر ادیب و شاعر پیشه‌ام که در همه‌ی وجوه تحصیلی پشتیبان و یاور
من بوده‌اند. همچنین همسر بردبار و صبورم که بدون وجود ایشان این
مجموعه‌ی نوشتاری محقق و میسر نمی‌شد.

چکیده

شرح گزارشی انتقادی برزونا مه و جمشیدنامه از ملحقات شاهنامه‌ی فردوسی به زبان شیوای امروزی

به وسیله‌ی: رضا آریانی

در این رساله که به عنوان شرح گزارشی انتقادی برزونا مه و جمشیدنامه از ملحقات شاهنامه‌ی فردوسی به زبان شیوای امروزی تحریر گشته. سعی بر آن شده تا با تشریح ابیات و بیان معانی ترکیبات و اصطلاحات شعری با بیانی ساده کلیه‌ی زوایا و ابعاد دو منظومه برای مخاطب و خواننده روشن و آشکار گردد.

فردوسی با سرودن شاهنامه که سرچشمه‌ی آن صفات رفتاری ایرانیان قدیم است روح حماسه و پهلوانی و تاریخ را در دل مردمان ایران زمین زنده کرد و این تعلق خاطر از زمان سرودن شاهنامه تا به امروز وجود داشته و موجب گردیده است که پیروان زیادی خواهان پیروی از مکتب ادبی و سرایش او شوند. ملحقات و نامه‌های حماسی بعد از او دلیل کاملی بر این گفته است.

این رساله در هشت فصل تهیه و فراهم گردیده است که شامل:

فصل اول: کلیات؛ که شامل اهداف، ضرورت، پیشینه و روش تحقیق می‌باشد.

فصل دوم: منظومه‌ی برزونا مه است. (که با دو روش معنی کردن ابیات (حدود

هزار بیت) و نثری روایتی با زبانی ساده و عامه پسند بیان گردیده است)

فصل سوم: منظومه‌ی جمشیدنامه است. (که با نثری داستانی و ساده و جذاب

تحریر گشته است)

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل دستوری است. (که به بررسی و بیان نوع و نقش دستوری برخی ابیات برگزیده می پردازد)

فصل پنجم: صنایع ادبی موجود در دو منظومه است. (که فنون ادبی مشاهده شده در دو منظومه را به خوانندگان محترم معرفی می نماید)

فصل ششم: فصل هفتم: لغت نامه است.

فصل هفتم: زندگی نامه ی شخصیتها در منظومه های برزنامه و جمشیدنامه.

فصل هشتم: نتیجه گیری، پیشنهادها و فهرست منابع و مآخذ.

مقدمه

هنگامی که دل سفید کاغذ حیطة قلم فرسایی ذهن من و تو می‌شود باز می‌بینم که خورشیدی درخشان سرزمین امپراطوری ادبیات نغز و دلگشای فارسی ایران زمین را فرا گرفته و بر آن سایه ای عظیم و پایدار و بدون گزند از هرنوع تاریکی افکنده است. با یک نگرش ساده به شاهنامه خواهیم دید که اثر جاودان و ابدی حکیم طوس به راستی پردیس یا فردوسی از فردوسی است. جهانیان زبان و نوشتار پارسی را با نام شاهنامه ترجمه می‌کنند و آوازه فارسی با نام فردوسی و اثر استوار او شناخته می‌شود که گلچین و معجونی از کیمیای طبله‌ی هر عطاری است. فردوسی از ملاکین بزرگ طوس بود که توجهی بی‌بدیل به فرهنگ و سنت و هویت ملی ما داشت و با حکمت و خردی که در جانش ریشه دوانیده بود، مکتبی متعالی به وجود آورد. او با اعتمادی که به دانش و خرد داشت برای توصیف رفتار پهلوانان و قهرمانان کتاب خود چنان طرحی استوار و مناسب اندیشیده بود که همه رفتار و کردار آنان در واقع دعوت به آزادگی و خردمندی از آب درآمده است. شخصیت هاو پهلوانان که فردوسی آفریده هنوز زنده‌اند و با خواننده سخن می‌گویند. خوی و روش هر یک از خردمندی، خاموشی، شجاعت، ستیزه جویی، سبک سری و... چنان آشکار است که انگار با آنان هم عصر و مانوس بوده است. فردوسی از ابتدای آفرینش و ماجراهای پادشاهان پیشدادی تا پادشاهان کیانی به طور تکاملی و مرتبه ای تاجایی پیش رفت که با پرورش و آفرینش داستانهای محاوره ای مانند رستم و خاندان اش و نیاکانش که گل سرسبد نقل مجالس شبانه‌ی پیران قدیم ماست

رسیده است. حماسه ایی که او پایه گذاری نمود از زمان سرایش تاکنون مریدان و پیروان بسیاری را شیفته و مجذوب خود کرده است و براساس علاقه و محبتی که شعله‌ی کلام فردوسی درجانشان روشنایی و گرمافروخته بود برآن شندندپای در جای پای و برردپای استادگران قدر و پرآوازه خود گذارند و تصنیفات و آثاری هم چون اورابه دنیای معرفت و حکمت و ادبیات حماسی عرضه و اهداء نمایند. لذا باترویج این رویه داستانهای بوجودآمدنکه همان سبک و سیاق شاهنامه را داشتند فقط با توجه به قدرت و طبع شاعری از لحاظ کیفیت به دودسته آثار قوی و پرکشش و جذاب و ضعیف و متمایز از گفتار فردوسی تقسیم گردیده اند. همین امر موجب شد آثاری به نام ملحقات شاهنامه بوجود آید که البته آثار مستعدتر در طول زمان به کتابهای شاهنامه الحاق شد و جزء پیوست این اثر عظیم حماسی یکتا به حساب آمد. در این میان دو داستان برزو و جمشید از دیگر داستانهای ملحقات مشهورتر و معروفتر بوده و جذابیت خاصی را ایجاد کرده اند. به همین مناسبت اینجانب سعی نمودم با تجزیه و تحلیل و ساختار و رونمایی این دو داستان و تشریح ایات و متن اصلی آنها و تهیه‌ی لغتنامه‌ای از کلمات ناآشنا و شاید مهجور این دو داستان را هم از لحاظ تحلیلی و هم از لحاظ تشریح و توضیح جهت عوام و خواص ارائه نمایم. امید است این مجموعه هرچند خطی کم رنگ، راهنمای ادب دوستان و فرهنگ پروران عزیز باشد. ابتدا نگاهی برداستان برزو انداخته تا با نمایاندن وجوه مختلف داستان و نقل آن، برزو و تفاوت و تشابه او با پدرش سهراب و نگارنده منظومه و ویژگی سبکی و نگارشی اثر را با طرح و شکلی جدید بشناسیم. همانطوری که شاید اطلاع داشته باشید برزو پسر سهراب و نوه‌ی رستم {بت شاهنامه} است که این منظومه در ادبیات حماسی سروده شده و با توجه به شباهت آن با کلام فردوسی در زمره ملحقات آن اثر قرار گرفته است. دست نوشته‌هایی که از این منظومه موجود است و مادر ادامه به ذکر آنان خواهیم پرداخت، حکایت از آن دارد که این منظومه به دو قسمت کهن و جدید تقسیم گردیده است که قسمت کهن آن در قرن هشتم و قسمت جدید آن در قرن دهم نوشته شده است. اولین بار که برزو نامه مورد بررسی قرار گرفت در نیمه دوم قرن هجدهم بود (۱۸) که آنکل دوپرن که نسخه‌های یافته شده‌ای را از هند به پاریس برده

در سال ۱۸۱۶ میلادی گارتن با استفاده از نسخه‌ی دو پرون ۲۷۵ بیت از منظومه را با ترجمه آلمانی به چاپ رسانید. در کوششی دیگر ترنر ماکان در سال ۱۸۲۹ برزنامه‌ای با ۳۶۰ بیت در قالب ملحقات شاهنامه خود منتشر نمود. خوشبختانه هم قسمت کهن و هم قسمت جدید، در نسخه‌های خطی و دست نوشته‌ای موجود می‌باشد و به عنوان میراثی به دست ما رسیده است که داستانهای آن و ماجراهای مهیج و سرگرم کننده و آموزنده آن در هیأت نثر توسط نویسندگان و اساتید محقق به رشته‌ی تحریر درآمده است. برای اینکه ابعاد و اشکال برزنامه را مورد بحث و بررسی قرار دهیم لازم است که ابتدا خود داستان را با نثری روان و تقریباً خلاصه اما با ارکان اصلی آن به اطلاع شما خوانندگان ارجمند برسانم.

داستان برزو

داستان از آنجا شروع می‌شود که سهراب برای یافتن اسبی خوب به سرزمین شنگان می‌رود که در حین جستجو با دختر چوپانی به نام شهر و آشنایی شود و پس از گفتگوی اولیه به طور مخفیانه با هم ازدواج نموده و همخواب می‌شوند و هنگامی که صبح فردایش می‌خواهد به ایران برگردد مهره‌ای را به شهر داده و مانند داستان رستم و همینه می‌گوید که اگر دخترش در پیشانی‌اش ببند و اگر پسر بود بر انگشت دستانش، پس از (۹) ماه بارداری، شهر و پسری به دنیایم آورد که نامش را برزومی گذارد که همچون پدرش از لحاظ جسمی با کودکان دیگر تفاوت بسیاری در رشد و نمو داشت. پس از مدتی شهر و در خانه‌ی برزگری ساکن شد و پسرش به تبع صاحب خانه به کشاورزی و دامپروری پرداخت و برای برزگر چوپانی می‌کرد در همین زمان هنگامی که افراسیاب از سپاه ایران شکست خورده بود به سرزمین شنگان رسید و با دیدن برز و برق شادی در چشمانش درخشید و دریافت که پهلوان بزرگی را کشف کرده است. قامت و اندام و بازوی برز و از کم یابی او حکایت می‌کرد. افراسیاب قاصدی را نزد او فرستاد و با او وارد معامله شد و به او قول داد که در ازای سپهسالاری و جنگ با ایرانیان ثروت و مقام و قدرت بی شماری به او خواهد داد و برزوی جوان هم فریفته شد. مادرش (شهر و) با شنیدن این خبر بر آشفت و او را از رفتن و جنگ با ایرانیان

بر حذر داشت اما پسرا عتنائی به گفته‌ی مادر نکرد و پس از این ماجرا با سپاه افراسیاب و تورانیان همراه شد و به میدان جنگ ایرانیان رفت و پهلوانان نامی ایران را اسیر کرده و باغل و زنجیر به زندان افراسیاب برد. باردوم نیز طوس و فریبرز را شکست داده و آنان را به اسیری برد. پس از این ماجرا فرستاده‌ای را نزد رستم گسیل داشتند. رستم به جنگ برز و رفت اما این بار نیز در میدان جنگ بازویش شکسته شد و سرشکسته و افسرده قصد برگشت به زابلستان را کرد. بعد از این ماجرا به فرامرز که در هند بود خبر دادند که جز تو دیگر، پهلوانی برای مبارزه با برز و نداریم و او را دعوت کردند تا با آمدن به ایران و جنگ با برز و پهلوانان اسیر و شکست خورده را سراسر افران نماید. فرامرز به جنگ با برز پرداخت و پس از درگیری و جدال بسیاری پای اسب برزو لغزید و فرامرز او را در بند کرده و به زندان ارگ سیستان فرستاد. شهروکه از این ماجرا آگاهی یافت به طور ناشناخته و ناشناس وارد شهر سیستان شد تا چاره‌وراهی برای فرار فرزندش از زندان بیابد. بعد از جستجوی زیاد شهر و با نفوذ در افراد سیستانی بازن رامشگری آشنا شد که با زندان بانان و سپاهیان آشنایی داشت. شهر و مهره و انگشتری که سهراب در زمان ازدواج به او داده بود به زن رامشگر داد تا به عنوان نشانه و آشنایی و دوستی به برز بدهد. هنگامی که زن رامشگر انگشتر را به برز و رسانید و با دیدن آن نشانه بسیار خوشحال شد و قبش آرام گرفت. شهر و با نفوذ در سپاهیان و اغفال آنان عاقبت، فرزندش را از زندان سیستان فراری داد و وقتی که می‌خواستند خانه و کاشانه خود بر گردند از اقبال و بخت بدشان با سپاه رستم روبرو شدند. همین امر موجب درگیری آن دو پهلوان با یکدیگر شد و باز هم طبق دفعه‌ی گذشته رستم مغلوب برزو گردید و با حلیه جنگ راه تعویق انداخت تا بتواند در این میان با حلیه‌ی دیگر که فرستادن غذای مسموم برای برزو بود بر او غلبه کند. اما این ترفند او با شکست مواجه شد و برزو از این نقشه جان بدربرد. روز بعد جنگ میان آن دو در گرفت که برخلاف گذشته این بار برای اولین بار رستم پیروز شد. هنگامی که رستم پیروز شد خواست تا در یک لحظه و طرفه‌العینی برزو را از پای در آورد و کار او را بسازد. شهروکه جنگ دو پهلوان را نظاره می‌کرد و ناظر بر کار آن دو بود و موقعی که متوجه قصد و نیت رستم شد فریادکنان و جیغ زنان به آنان نزدیک شده و رستم را از نژاد و تبار برزو آگاه کرد. رستم دانست برز و نوه‌ی اوست دست از جنگ کشید و قتل و خونریزی آن دو

پهلوان به شادی و شور مبدل گردید و همدیگر را در آغوش گرفتند. پس از این ماجرا بود که برزو دست راست رستم گردید و در همه‌ی میدانها، یاور او شد زمانی که این اتفاق به گوش افراسیاب رسید بسیار خشمگین و ناراحت شد تا جای که سران و لشکریان خود را فراخواند تا برای مبارزه و شکست پهلوانان ایرانی حربه و نقشه‌ای جدید بیافرینند. در میان یاران افراسیاب زن رامشگری بود که او را وسن رامشگری خواند او به افراسیاب قول داد که با حیل و ترفندی پهلوانان ایرانی را به دام اندازد و افراسیاب را پیروز نماید. او برای اجرای نقشه‌اش به نزدیکی اردوگاه ایرانیان رفت و بر سر راه پهلوانان ایرانی چادری را برپا نمود و بارامشگری و وازندگی و خوراندن داروی بیهوشی به آنان، پهلوانان ایرانی را فریفت و دست بسته به زندان افراسیاب فرستاد. در آغاز کار وسن رامشگر با همکاری پلیس موفق به اجرای نقشه‌اش گردید. اما در پایان کار با آمدن متعدد پهلوانان ایرانی و کشتن پلیس که حامی وسن بود این نقشه نقش بر آب شد و برزو با برگشتن به سپاه ایران در کنار نیایش، از بزرگترین پهلوانان نامی کی خسرو شد.

برزو نامه ازد و بخش اصلی تشکیل گردیده که بعدها توسط شاعران و داستان سرایان به یک داستان بلند مبدل شده که بخش اول به طور خلاصه و منشور در بالا خدمتتان ارائه گردید و بخش دوم شامل بزم‌ها و رزم‌های محاوره‌ای و عوام پسندانه که شامل جنگهای برزو با دیوها و جنهاست که داستان سرایان این دو قسمت را به هم وصل کرده‌اند. بانگاهی به قسمت کهن و جدید برزو نامه متوجه تفاوت‌های سبکی و نوشتاری آن دو مجموعه خواهیم شد. ژول مول و دکتر صفاهر دو مجموعه را یک اثر مستقل و یک داستان پیوسته می‌دانند و تاریخ سرایش آن را در اواخر قرن پنجم (۵) و اوایل قرن ششم (۶) معرفی می‌کنند. وجود کلمات پهلوی در بخش اول و کهن و افزایش کلمات عربی و تازی تاریخ سرایش این دو مجموعه‌ی متفق را مورد شک و تردید قرار می‌دهد که اولی سیر داستانی داشته و دومی وقایع داستان فردی را در مکان‌ها و موقعیتهای مختلف مورد بازگویی قرار می‌دهد. قسمت اول (بخش کهن) داستانهای عیاری و حماسی و اسطوره‌ای و قسمت دوم داستانهای عشقانه و عوام پسند می‌باشد که بانام مانند مهراس و عقیل و قطران، حورلقا پیوندمی

خورد. از ظاهر کلام قسمت دوم برمی آید که عطایی که داستان دوم را خودسروده و داستان اول را به آن پیوند زده و داستان بلندی را از آن بوجود آورده است در داستان دوم از دیو و جادو سخن به میان آورده که در بخش کهن خبری از آن نیست. هم چنین در بخش اول از لحاظ کاربرد لغات کلمات پهلوی مانند ارغنده، تازنان، شمیده، کناغ، هور، یک تنه مشاهده می شود اما در بخش دوم به جای کلمات پهلوی لغات تازی به وفور ملاحظه می گردد. کلمات تازی و عربی مانند کرامت، غربت، نصیحت و نیز علاوه بر کلمات فوق ترکیباتی مانند مع القصه و جذبه ی عشق که از آنها بوی عرفان ابن عربی به مشام می رسد از لحاظ فصاحت و بلاغت و انشای مطالب، بخش کهن و اول از استواری و پایداری بیشتری برخوردار است در صورتی که در بخش دوم ابیات ضعیف و سستی را از لحاظ ادبی می توان یافت هم چنین برای بخش دوم ۱۴ دست نویسه وجود دارد که قدیمی ترین دست نوشته آن با توجه به ویژگی ها و خصوصیات لغوی و انشای بیانگر بخش کهن و اول برزنامه است که به تاریخ ۸۲۹ (هجری قمری) است. انجوی در کتاب فردوسی نامه خود هفت داستان از برزنامه روایت می کند که شش عدد از آنها مربوط به بخش کهن است در این جابه مبحثی می پردازیم که از شک و تردید بر تشابه اسمی عطایی یعقوب و عطای بن یعقوب صحبت به میان می آورد. نظر محققان در مورد برزنامه که منسوب به عطایی است ناشی از نظر خاورشناسان می باشد که از تحقیقات بلو شیه ریشه می گیرد که بر آنان تأثیر فراوان گذاشته و منتج التایج جستجوهای خود را چنین بیان می دارند:

برزنامه مربوط به شخصی به نام عطایی ابن یعقوب می باشد که چنین شخصی در سال ۴۱۹ (هجری قمری) از مشایخ و شاعران و قصیده سرایان دربار غزنوی و آن دوران بوده است که بنابه دلایل متعدد که چند نمونه آن را در زیر خدمتتان عرض می کنم چنین فرضیه ی باطل و محال است.

۱. در هیچ منبع و مأخذی اثری از عطایی یعقوب که تخلصش عطایی باشد در پای به چشم نمی خورد. وی از بزرگان شعر عرب بوده چرا که در ادبیات عرب هیچ تخلص وجود ندارد چرا که تخلص، بدعت شاعران پارسی گوی است.

۲. در هیچ اثری برزوانه یابیژن نامه رانوشته اوندانسته اندو بیان نکرده اند. نشانه های سبکی و نگارش که در آن تخلص عطایی آمده است مربوط به قرنی است که عطایی چندین قرن قبل از آن می زیسته و از بین رفته است. امادرموردنگارنده ی اصلی برزوانه باید گفت که طبق کهن ترین دست نوشته ای که از برزوانه در سال ۸۲۹ (هجری قمری) بدست آمده و نسخه ی خطی آن در موزه کمبریج انگلستان موجود می باشد در پشت برگ اول آن نوشته ای وجود دارد که تمام ابهامات را در مورد نویسنده آن بر طرف می سازد. نوشته دیگری در پایان مضمون این دست نویس وجود دارد که مهر تأیید و رد هر گونه شکیات است آن دونوشته به قرار زیر است.

۱- کتاب برزوانه تصنیف مولانا شمس الدین محمد احمد میر بن محمد میر خم اله لوله بلامن (کذا)

۲- برزوانه از گفته ی مولانا شمس کوسج علی ید العبد الفقیر جهانگیر اصلح اله احواله فی شهر محرم الحرام سنه تسع {و} عشرین وثمانمائیه حالا که نگارنده اصلی برزوانه مشخص شد یک سؤال برای همه پیش می آید و آن این است که چرا برزوانه را جزء ملحقات شاهنامه فردوسی دانسته اند؟ باید گفت وجود دوبیت که اولی از فردوسی و دومی از شاعر برزوانه است. و تشابه مفهوم آنان باعث گردیده که ادیبان برزوانه را جزء ملحقات شاهنامه بحساب بیاورند. آن دوبیت به قرار زیر است:

چو از رزم برزو پرداختم ز گودرز و پیران سخن ساختم
(فردوسی)

بدین کار بیژن سخن ساختم به پیران و گودرز پرداختم
(محمد کوسج)

نظر استاد صفادرباره ی برزوانه:

استاد صفا که دست نویس برزوانه ۱۸۹۹ میلادی در پاریس را مطالعه نموده درباره این برزوانه چنین می گوید: داستان برزوانه داستانی کاملاً حماسی و مشابه داستان رستم است و تعقیب واقعی فردوسی در بیان منظومه از لحاظ وصف پهلوانی و ترتیب

وقایع واستعمال کلمات بوده وازگرشاسب نامه اسدی قوی تراست اززیباترین میدانهای جنگ برزونامه جنگ فرامرزواسارت فرامرزوشکست اوست امدارای ایبائی سست می باشدولی قوی ترانسخه های متأخر است.

نظرژول مول درباره ی برزونامه

برزونامه مجموعه ای ازوقایع خاندان رستم است که شایدفردوسی به آن نپرداخته باشدبه خاطرهمین ازوقایع شخصی زندگی برزوچیززیادی دریافت نمی شود. بحث دیگری که جایزاست مطرح گرددزمان وقوع حماسه ی برزواست که بنابه دلایل بی شماری محققان ونویسندگان و ادیبان آن راحماسه ی جدید و نوپا دانسته اند که بعدهاضمیمه والحاق به شاهنامه شده است. باز هم برای نمونه چنددلیل مطرح می کنم:

۱. درکتاب مجمع التواریخ وقصص که درسال ۵۲۰(هجری قمری)تألیف گردیده اثری از برزونامه دیده نمی شوددرصورتی که حماسه های دیگری مانند گرشاسب نامه،بهمن نامه،کوش پیل دندان،فرامرزننامه وبرخی ازاسامی خانواده رستم مانندآذربرزین وبانوآذرگشاسب دیده می شودکه بعدازشاهنامه وقبل ازسال ۵۲۰سرووده شده است.

۲. درکتاب شه مردان بن ابی الخیررازی به نام نرّهت نامه که به حماسه های گمنام ایران اشاره شده و در سال ۵۲۰(هجری) در یزد به رشته ی تحریر درآمده بازهم اثری ازبرزونامه نیست.

۳. هم چنین آثارشاعرانی چون فرخی منوچهری امیرمعزی وخاقانی که منبع ومأخذی غیرازشاهنامه داشته اندودرآنهاازپهلوانی ها و وقایع قهرمانی های آنها مباحثی مطرح گردیده،هیچ حرفی ازبرزونامه به میان نیامده است. اولین بارروایت منثورداستان برزودرکتاب احیاءالملوک تألیف ملک شاه حسین سیستانی مؤلف به سال ۱۰۲۸آمده است که سیستانی آن را پس از نقل داستان کک کوهزادبه عنوان الحاقی شاهنامه تعریف می کند وباتوجه به قراین وشواهد، مرکزرواج وشیع این داستان به صورت زبانی درسیستان وزابل بوده است.